

بازگشت با استبداد پس از گذشت پنجاه و پنج سال از اعطای فرمان مشروطیت

هموطنان - قانون اساسی بصراحت حقوق و حدود ملت و سلطنت مشروطه و دولت مسئول آنرا معین کرده است و باعتبار همین قانون اساسی ملت ایران در مقام تخطی و تجاوز بحقوق واقعی سلطنت مشروطه نبوده و نیست بنا بر این حق و مصلحت حکم میکند که مقام سلطنت نیز حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارند خاصه آنکه بموجب اصل ۳۹ تتم قانون اساسی بقید سوگند رعایت این امر مهم را تقبل فرموده اند و هر گاه قانون اساسی که میثاق میان ملت و سلطنت است محترم شمرده نشود زیانهای جبران ناپذیری برای ملک و ملت و سلطنت به بار میآید.

جبهه ملی با توجه به مراتب مذکور با اظهارات آقای امینی در انجمن روزنامه نگاران که بنام نخست وزیر عنوان کرده است با استناد بقانون اساسی و سنت های مشروطیت بشدت معترض است و اعلام خطر میکند و دستورهائی را که از دفتر مخصوص شاهنشاهی در امر وضع و تغییر قوانین بدون تصویب پارلمان صادر شده بصراحت مقام سلطنت ندانسته و مخالف نص صریح قانون اساسی تلقی مینماید زیرا :

در دستوری که از طرف مقام سلطنت خطاب به آقای دکتر امینی صادر گردیده است . برغم مقدمه شیرین آن که مبنی بر تمایل بتأمین عدالت اجتماعی و اصلاح امور کشور است این عبارت دیده میشود : « مطابق حقی که قانون اساسی بما میدهد و ما را یکی از مبادی انشاء قانون شناخته است بدولت ماموریت میدهد که تا تشکیل مجلسین با توجه باوضاع و احوال و مقتضات روز جرح و تعدیل لازم در قوانین موجوده بعمل آورده و آنرا با توشیح ما موقتا بموقع اجراء بگذارند تا ضمن آزمایش عملی بارفع نواقص مشهود برای تحصیل مجوز قانونی و تنفیذ آن پس از افتتاح مجلسین بمقامات قانونی تسلیم دارند » و بدنبال آن حق قانونگزاری را که مخصوص پارلمان است درباره وضع و تغییر و اصلاح و نسخ قوانین استخدامی و اصلاحات ارضی و مالیاتی و فرهنگی بدولت تکلیف فرموده اند و حال آنکه تاویل قانون اساسی برخلاف ظاهر و باطن آن که ذیلا تشریح و توضیح خواهد شد و سلب حقوق پارلمان که در حقیقت حقوق ملت و مایه اصلی قانون اساسی و ضامن ثبات و استقلال کشور و سلطنت مشروطه است بهیچوجه سازگار نیست .

عنوان کردن مطالب بالا معارضه صریح با قانون اساسی و انکار مصلحت ملک و ملت است زیرا :

۱ - در دستور مذکور تصریح شده است که مقام سلطنت یکی از مبادی انشاء قانون است - ظاهرا اصل ۲۷ متمم قانون اساسی که در مقام تفکیک قوا است سبب این تعبیر شده در صورتیکه اولاً منظور از وضع این اصل این بوده است که وظایف قوای سه گانه تفکیک شود و قوه ای در وظیفه قوه دیگر مداخله نکند و تعبیر بالا یعنی مجاز دانستن دولت در وضع قانون که از حقوق خاصه پارلمان است نقض غرض قانونگذار در وضع اصل مزبور میباشد .

ثانیاً - انشاء قانون بمعنای تهیه لایحه و طرح قانونی است و مقصود قانونگذار از ذکر هر یک از مجلسین یا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حق انشاء قانون را دارند آنستکه هر یک از مجلسین یا اعلیحضرت بوسیله دولت حق تهیه طرح یا لایحه خواهند داشت و مؤید این نظر آنستکه واضعان قانون اساسی در همین اصل و اصول دیگر ما بین انشاء و وضع قانون تفاوت قائل شده اند و در قانون اساسی تصریح شده است که قوانین پس از تصویب پارلمان و توشیح همایونی معتبر و قابل اجرا است .



در اصل ۲۷ مزبور پس از آنکه مینویسد « هر يك از سه منشاء حق انشاء قانون را دارد » بلافاصله اضافه میکند « ولی استقرار آن موقوف بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح همایونی است » استقرار مذکور در این مقام بمعنای صورت قانونی یافتن لایحه ای میباشد که انشاء شده است و هر گاه انشاء بمعنی وضع قانون بود ذکر عبارت « ولی استقرار آن موقوف بتصویب مجلسین و توشیح همایونی است » ضرورت نداشت .

ثالثاً - در اصل ۳۳ قانون اساسی چنین تصریح شده است « قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارتخانه های مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب بصفحه ملوکانه موشح گشته بموقع اجراء گذاشته خواهد شد » اگر فائل شویم که انشاء بمعنای وضع قانون است چنانکه در این ماده اشاره شده است هر يك از وزارتخانه نیز حق وضع قانون خواهند داشت و حال آنکه چنین نیست و ذکر انشاء قانون از طرف وزارتخانه ها بخوبی ثابت میکند حق انشاء قانون که در اصل ۲۷ متمم قانون اساسی ذکر شده است حق تهیه لایحه یا طرح قانونی است نه وضع و تصویب قانون .

عبارت مندرج در این اصل پس از کلمه (انشاء) مؤید آنستکه حق انشاء بمعنای تهیه و تنظیم لایحه و طرح قانونی است نه وضع قانون .

رابعاً - در اصول ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۱ - ۲۵ - ۲۶ - ۴۶ - ۴۷ قانون اساسی و اصول متمم آن تصریح شده است که کلیه قوانین باید بتصویب پارلمان برسد و سپس توشیح شود والا اعتبار قانونی و قابلیت اجراء ندارد .
۲ - بدلائل مذکور مقام سلطنت و قوه مجریه حق وضع قانون ندارند و وضع قانون از حقوق مختصه پارلمانست . اگر جز این بود قطعاً در ضمن حقوق سلطنت مذکور در قانون اساسی باین امر تصریح یا اشاره میشد و عدم ذکر حق وضع قانون در فصل حقوق سلطنت دلیل بر آنستکه امر انشاء حق وضع قانون نیست .

۳ - هیئت عمومی دیوانعالی کشور صریحاً در نظریه مشورتی خود گفته است که وضع و تغییر و اصلاح قوانین از وظایف خاصه پارلمانست و هیچ مقام دیگر حق وضع قانون ندارد .

اما شما آقای دکتر امینی با همکاران محترمتان باید بدانید که بر طبق نص صریح اصل ۶۴ متمم قانون اساسی که مقرر میدارد « وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک فرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند » حق ندارد بدو وضع یا تغییر یا نسخ قوانین اقدام نمائید .

جبهه ملی هر حال کشور ایران که از برکت همین قانون اساسی و مشروطیت بمقامات عالی رسیده اند یاد آور میشود که بخود آیند و در احیاء مشروطیت و جلوگیری از تجاوز بقانون اساسی بر مال مملکت بیندیشند .

جبهه ملی نمیتواند تحمل کند که بحقوق پارلمان که نماینده قاطبه ملت است تجاوز شود و قانون اساسی یا اعمال گردد زیرا دست زدن بچنین امر خطرناکی را مضر بحال ملک و ملت و مشروطیت میدانند و در این خصوص بجمیع طبقات مردم که قانون اساسی خونبهای اجداد ارجمند آنها است اعلام میکند که برای صیانت قانون اساسی و حقوق ملت و حفظ مشروطیت بیداری و هشیاری نشان دهند و نگذارند طالبان حکومت فردی حقوق مردم را سلب کنند .

تهران چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۴۰

هیئت اجرائی جبهه ملی

۱۳۴۰/۱۶/۲

